

## جنگ جهانی اول و ایران

جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸ م/۱۲۹۳-۱۲۹۷ ش) که با عنوان‌های جنگ بین‌الملل اول یا جنگ بزرگ نیز از آن یاد می‌شود، یکی از رویدادهای مهم تاریخ بشر به شمار می‌رود. این جنگ نقشی تعیین‌کننده در رخدادها و تحولات جهان در سده بیستم میلادی داشت. شما در این درس با مطالعه زمینه‌ها و علل این رویداد عظیم، تأثیرات و پیامدهای آن را در کشورهای مختلف جهان، به خصوص میهن عزیزمان ایران، بررسی و تحلیل خواهید کرد.

### فعالیت ۱

#### بحث و گفت‌وگو

با راهنمایی دبیر، درباره این موضوع با یکدیگر بحث و گفت‌وگو کنید: چرا با وجود سابقه طولانی جنگ میان جوامع و کشورها در طی تاریخ بشر، جنگی که در فاصله سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ م میان برخی کشورها رخ داد، به جنگ جهانی یا بین‌الملل معروف شد؟ برای دیدگاه خود دلیل بیاورید.

### زمینه‌ها و علل جنگ جهانی اول

کشورهای اروپای مرکزی و غربی عقب‌مانده‌تر بود، در قرن ۱۹م قدرت نظامی خود را به‌طور فوق‌العاده‌ای تقویت کرد و نسبت به همسایگان جنوبی خود سیاست توسعه‌طلبانه‌ای در پیش گرفت. ارتش روسیه در طول این قرن با هدف رسیدن به دریاها، گرم و آبراه‌های مهم، بارها به قلمرو امپراتوری عثمانی در شبه‌جزیره بالکان و حوزه دریای سیاه و نیز سرزمین‌های ایرانی در دو سوی دریای خزر یورش آورد و مناطق وسیعی را تسخیر و تصرف کرد.

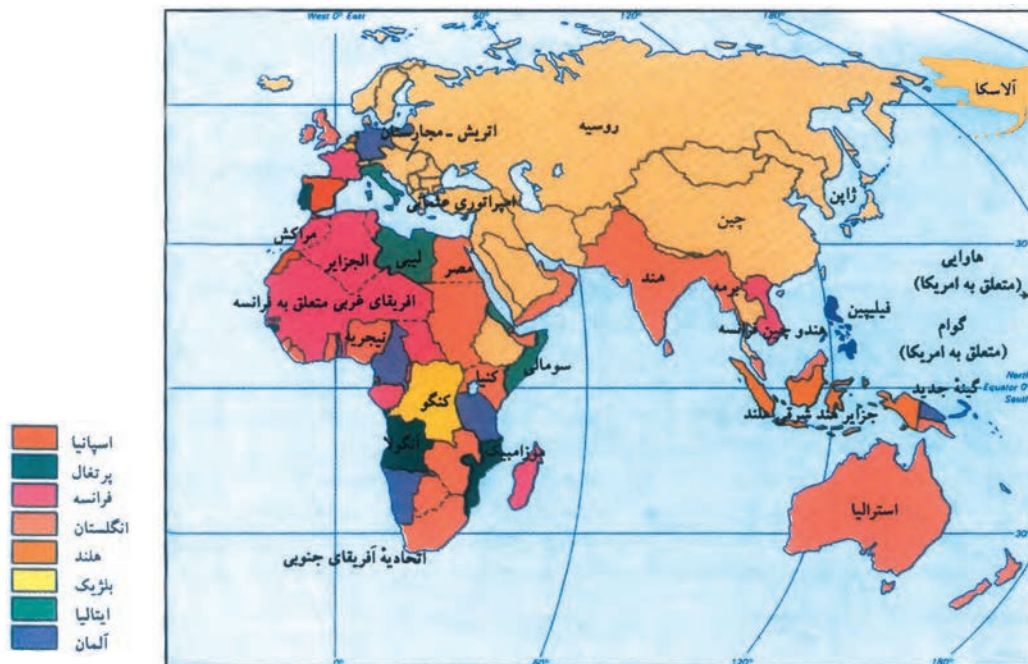
در قاره آمریکا، ایالات متحده در سده ۱۹م به کشوری صنعتی و قدرتمند تبدیل شد و با بهره‌گیری از توان نظامی و اقتصادی خود اقدام به نفوذ و مداخله در امور کشورهای آمریکای لاتین (آمریکای جنوبی) کرد.

عمده تحولات تاریخ جهان، به ویژه اروپا، در قرن ۱۹م متأثر از تأثیرات و پیامدهای انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب صنعتی بود. مهم‌ترین این تحولات عبارت‌اند از: تداوم و گسترش رقابت‌های استعماری، رشد اندیشه ملی‌گرایی (ناسیونالیسم) و ظهور قدرت‌های جدید.

#### الف) تداوم و گسترش استعمار

انقلاب صنعتی و تولید سلاح‌های پیشرفته مانند توپ و کشتی‌های جنگی، موجب گسترش استعمار در جهان شد. دولت‌های استعمارگر اروپایی، به‌ویژه انگلستان و فرانسه، با گسترش مستعمرات خود در قاره‌های آسیا، آفریقا، آمریکا و اقیانوسیه با یکدیگر به رقابت و ستیز برخاستند.

روسیه نیز با وجود اینکه از نظر علمی و فرهنگی به مراتب از

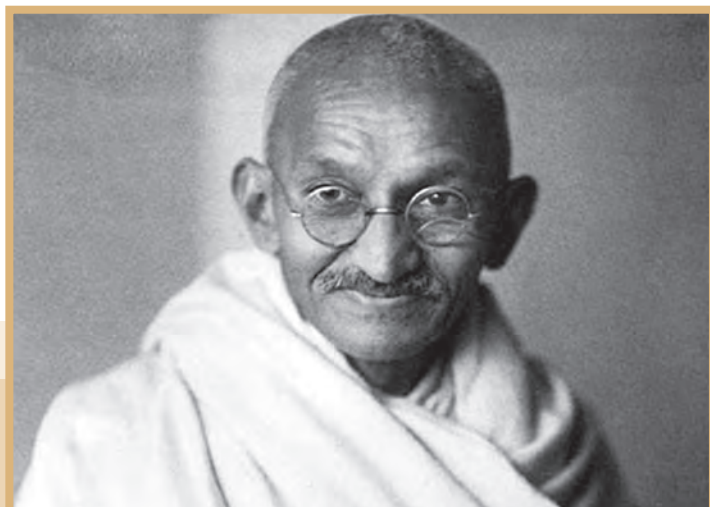


نقشه مستعمرات دولت‌های اروپایی در مناطق مختلف جهان در ۱۹۱۴م

**مقاومت در برابر استعمار؛** مردم بسیاری از کشورهای مستعمره در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین (جنوبی) در قرن ۱۹ و نیمه اول قرن ۲۰م در برابر سلطه استعمارگران بر سرزمینشان مقاومت کرده یا جنبش‌های اعتراضی به راه انداختند. قیام مهدیون در سودان به رهبری مهدی سودانی در مقابل انگلیس، مبارزات مردم الجزایر به فرماندهی امیر عبدالقادر بر ضد ارتش فرانسه، اتحاد مسلمانان و هندوها بر ضد استعمار در هند و جنبش استقلال طلبانه مردم آمریکای لاتین به رهبری سیمون بولیوار نمونه‌هایی از مبارزه مردم در سرزمین‌های مستعمره بود.



سیمون بولیوار (۱۷۸۳-۱۸۳۰م)



مهاتما گاندی (۱۸۶۹-۱۹۴۸م)، از رهبران مبارزه با استعمار انگلیس در هند

## ب) رشد اندیشه ملی‌گرایی و ظهور قدرت‌های جدید

در سده ۱۹م، دو جریان فکری ملی‌گرایی و آزادی‌خواهی در بسیاری از سرزمین‌ها و جوامع اروپایی پا گرفت و زمینه‌ساز شکل‌گیری کشورها و دولت‌های ملی جدیدی شد. تفکر ملی‌گرایی، مردمان و گروه‌های قومی را که تاریخ و فرهنگ و زبان مشترکی داشتند، برانگیخت تا با هم یکی شوند و زیر پرچم حکومتی یکپارچه و مستقل قرار گیرند. ایتالیایی‌ها، آلمانی‌ها، لهستانی‌ها، صرب‌ها و مجارها از جمله این اقوام بودند که تحت تأثیر اندیشه ملی‌گرایی، برای تأسیس حکومت ملی به پا خاستند.

**وحدت ایتالیا:** تا حدود اواسط قرن ۱۹م ایتالیا کشوری چندپاره بود که بر هر قسمت آن خاندان‌های مختلف، پاپ‌ها و یا کشورهای همسایه (اتریش و فرانسه) حکومت می‌کردند. در نیمه دوم این قرن، ملی‌گرایان ایتالیایی قیام کردند و با استفاده از رقابتی که میان اتریش و فرانسه وجود داشت، موفق شدند ایتالیا را متحد کنند و تحت حاکمیت حکومت ملی و مستقلی در آورند.



نقشه سیاسی اروپا در ۱۸۵۰ م

### فعالیت ۲

#### بررسی نقشه‌های تاریخی

نقشه بالا را با نقشه سیاسی اروپا در سال‌های ۱۹۱۵-۱۹۱۸م (صفحه ۸۳)، مقایسه کنید و تغییرات آن را بنویسید.



**اتحاد آلمان:** آلمانی‌ها نیز همچون ایتالیایی‌ها تا میانه قرن ۱۹ فاقد حکومت یکپارچه بودند و سرزمین‌های آنان در اتحادیه ضعیفی موسوم به اتحادیه آلمانی در کنار هم قرار داشتند. در آن زمان، ملی‌گرایان آلمانی خواهان یگانگی تمام آلمانی‌ها و تشکیل کشوری واحد بودند اما امپراتوری اتریش - مجارستان، که نفوذ فراوانی بر اتحادیه آلمانی داشت، مخالف چنین وحدتی بود و شکل‌گیری آلمان متحد و نیرومند را تهدیدی برای خویش می‌دانست. ایالت پروس، که یکی از بزرگ‌ترین و قدرتمندترین ایالت‌های اتحادیه آلمانی بود، پیشگام وحدت آلمان شد. ویلهلم یکم فرمانروای پروس به کمک صدراعظم خود بیسمارک، ملقب به مرد آهنین آن ایالت، سرزمین‌های آلمانی را متحد و امپراتوری آلمان<sup>۱</sup> را تأسیس کرد (۱۸۷۱م). پروس برای رسیدن به این موفقیت بزرگ، با کشورهای دانمارک، اتریش - مجارستان و فرانسه جنگید و آنها را شکست داد.



نگاره بیسمارک، صدراعظم آلمان  
(۱۸۱۵-۱۸۹۸ م)

نگاره مراسم تاج‌گذاری ویلهلم اول در کاخ ورسای  
پاریس پس از شکست فرانسه

۱- آلمانی‌ها امپراتوری جدید خود را رایش دوم نامیدند. رایش در زبان آلمانی به معنای امپراتوری است. پایتخت این امپراتوری شهر برلین، مرکز ایالت پروس بود. براساس قانون اساسی امپراتوری آلمان، هر ایالت در امور داخلی [خود] مستقل بود و حکومت مرکزی مسئولیت امور مشترک و مهمی چون دفاع ملی، روابط خارجی و تعرفه‌های گمرکی را به عهده داشت (دان، تاریخ تمدن و فرهنگ جهان، ج ۴، ص ۲۳).

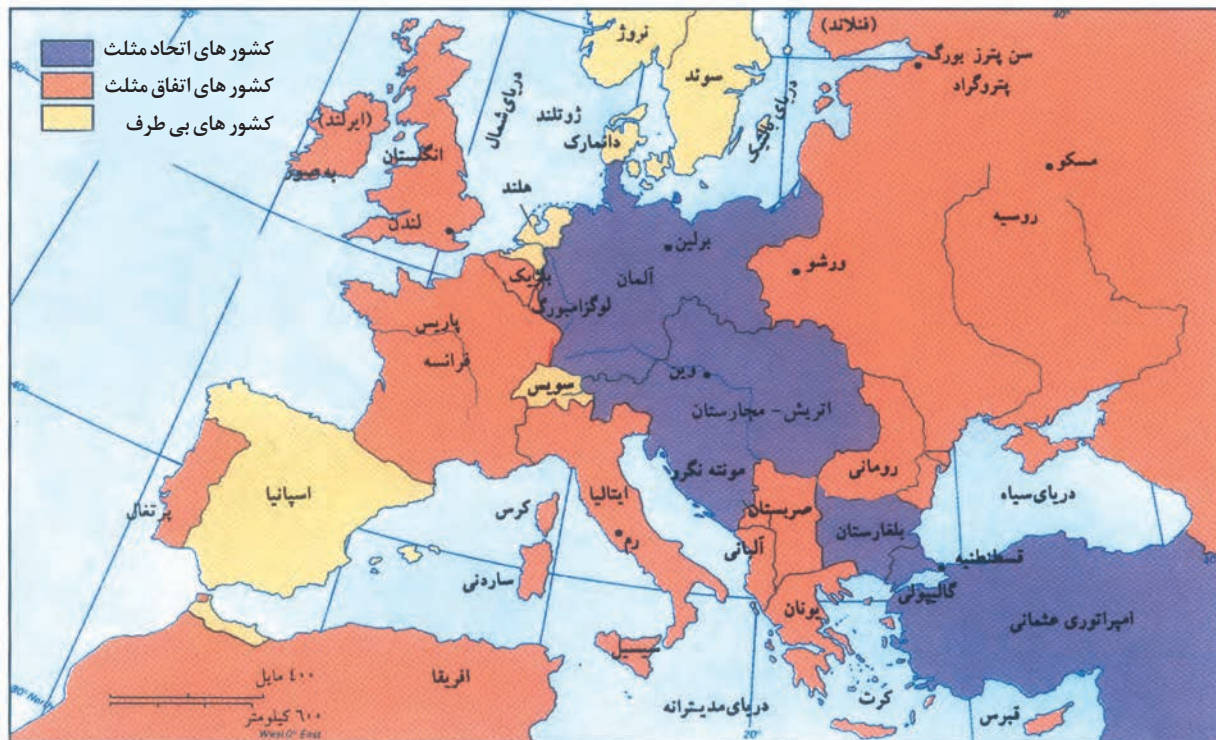
امپراتوری آلمان به سرعت در مسیر پیشرفت و اقتدار گام نهاد. این امپراتوری با تأسیس و توسعه مدارس و دانشگاه‌ها، برپایی صنایع جدید و بسط شبکه حمل و نقل و ارتباطات، خیلی زود به یکی از پیشروترین کشورهای اروپایی در زمینه صنعت تبدیل شد. هم‌زمان با توسعه اقتصادی و صنعتی، قدرت نظامی آلمان نیز با شتاب فراوانی افزایش یافت؛ آلمانی‌ها با ساخت تسلیحات مدرن به‌ویژه توپ، هواپیما، کشتی جنگی و زیردریایی، با انگلستان که در آن زمان قوی‌ترین نیروی دریایی را داشت، به رقابت برخاستند.

## بیشتر بدانیم

### جنبش استقلال‌طلبی در اروپای شرقی و خاورمیانه

جنبش ملی‌گرایی و استقلال‌طلبی در سده ۱۹م. به اروپای شرقی و به‌خصوص شبه‌جزیره بالکان که هنوز بخشی از امپراتوری‌های عثمانی، روسیه و اتریش بود، نیز سرایت کرد. در نتیجه بروز جنبش‌ها و شورش‌های ملی‌گرایانه در قلمرو امپراتوری رو به انحطاط عثمانی، یونان به استقلال رسید (۱۸۳۰م). سپس، مصر و عربستان به خودمختاری دست یافتند (۱۸۵۰م). رومانی و صربستان نیز در شبه‌جزیره بالکان خودمختار شدند. مدتی بعد اقوام اسلاو هم بر ضد ترکان عثمانی شوریدند؛ روسیه نیز به پشتیبانی از شورشیان با عثمانی وارد جنگ شد و پس از شکست عثمانی، کشور جدید بلغارستان به وجود آمد. گروه‌های قومی مجار، لهستانی، صرب، چک، کرووات، اسلواک و رومانیایی که تحت سلطه امپراتوری اتریش - مجارستان و همچنین اقوام استونیایی، لیتوانیایی، لهستانی و اوکراینی که زیر سیطره روسیه قرار داشتند نیز خواهان استقلال و تأسیس دولت ملی بودند، اما سرکوب شدند (دان، تاریخ تمدن و فرهنگ جهان، ج ۴، صص ۲۶-۳۲).

**تشکیل اتحاد و اتفاق سه‌گانه؛ آلمان از یک سو با هدف مقابله با تهدیدهای خارجی به ویژه خطر حمله فرانسه و از سوی دیگر برای پیشبرد سیاست‌های توسعه‌طلبانه خود در اروپا و فراسوی دریاها، با برخی از کشورها پیمان اتحاد سیاسی و نظامی منعقد کرد. نخست با امپراتوری اتریش - مجارستان پیمان اتحاد بست و سپس، ایتالیا را نیز وارد این پیمان کرد و اتحاد سه‌گانه (مثلث) را تشکیل داد (۱۸۸۲م). در مقابل، فرانسه برای خروج از انزوای سیاسی و پایان دادن به برتری جویی آلمان، نخست با روسیه و سپس با انگلستان پیمان‌های جداگانه‌ای منعقد کرد که آنها را دو به دو شریک و متحد سیاسی، نظامی و اقتصادی یکدیگر قرار می‌داد. مدتی بعد، انگلستان و روسیه نیز با بستن معاهده ۱۹۰۷م به اختلافات خود در ایران، افغانستان و تبت پایان دادند و اتفاق سه‌گانه (مثلث) را در برابر اتحاد سه‌گانه به وجود آوردند. این پیمان‌ها توازن قدرت جدیدی در اروپا به وجود آورد. با این حال، تشدید رقابت و دشمنی میان دو طرف سرانجام به جنگ جهانی اول انجامید. مهم‌ترین علل بروز این جنگ، اختلافات مرزی و دشمنی شدید آلمان و فرانسه، مسابقه تسلیحاتی، رقابت بر سر مستعمرات و اقدام برای توسعه نفوذ و دخالت در منطقه شبه‌جزیره بالکان بود.**



نقشه سیاسی اروپا (۱۹۱۵-۱۹۱۸م)

### کاوش خارج از کلاس

به چند گروه تقسیم شوید. در هر گروه، درباره تأثیر یکی از مسائل زیر در بروز جنگ جهانی اول تحقیق کنید و گزارش نهایی آن را در کلاس ارائه کنید.

«اختلافات مرزی و دشمنی آلمان و فرانسه»؛ «رقابت آلمان با انگلستان بر سر مستعمرات»؛ «جنبش‌های ملی‌گرایی در اروپای شرقی»؛ «دخالت قدرت‌های بزرگ در شبه‌جزیره بالکان».

## جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸م)

### شروع جنگ

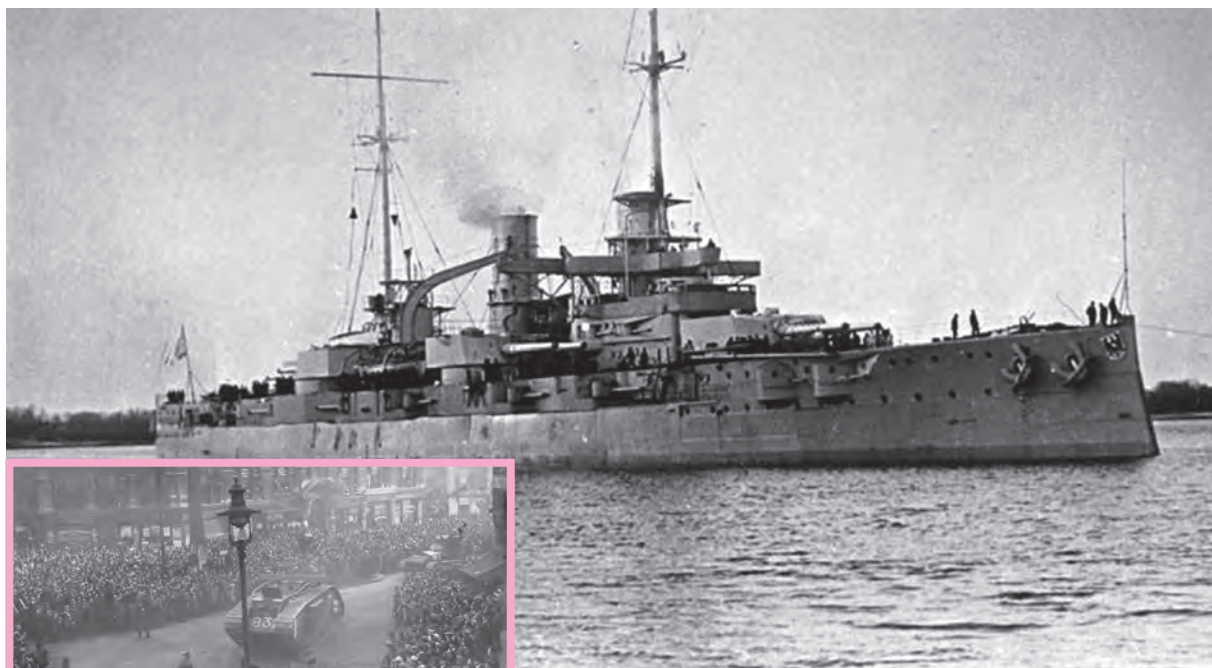
در پی قتل ولیعهد اتریش و همسرش به دست یک صرب ملی‌گرا در شهر سارایوو مرکز بوسنی، اتریش به حکومت صربستان مستقل اعلان جنگ کرد. طولی نکشید که کشورهای عضو اتحاد مثلث با کشورهای اتفاق مثلث وارد جنگ شدند (اوت ۱۹۱۴/تابستان ۱۲۹۳ش). اندکی بعد، امپراتوری عثمانی و بلغارستان به اتحاد مثلث و ژاپن، یونان، پرتغال، رومانی و برخی کشورهای دیگر به اتفاق مثلث پیوستند و دامنه جنگ به سرعت از اروپا به آسیا و آفریقا کشیده شد. ایتالیا نیز در میانه جنگ از اتحاد مثلث جدا شد و به اتفاق مثلث پیوست.



### فکر کنیم و پاسخ دهیم

به نظر شما، آیا قتل ولیعهد اتریش و همسرش علت اصلی جنگ بین‌الملل یا فقط بهانه‌ای برای شروع آن بوده است؟

طرف‌های جنگ امیدوار بودند خیلی زود به پیروزی برسند اما جنگ به مدت ۴ سال در زمین و دریا و حتی هوا ادامه یافت. در جبهه شرقی، روس‌ها به سرعت بسیج شدند و از سقوط و اشغال کشورشان توسط ارتش آلمان جلوگیری کردند. در جبهه غربی نیز فرانسوی‌ها با حمایت انگلیسی‌ها و سایر دولت‌های متفق مقاومت کردند و جنگ را به حالت فرسایشی در آوردند. جنگ در غرب آسیا (خاورمیانه) و برخی از مستعمرات نیز ادامه یافت.



ناوگان جنگی آلمان در جنگ جهانی اول

رژهٔ تانک‌ها در خیابان‌های لندن پس از جنگ جهانی اول

### انقلاب روسیه

همان‌طور که گفته شد، تزارهای روس از زمان پتر کبیر برای به چنگ آوردن مستعمرات، برنامه‌هایی در جهت توسعه طلبی سیاسی و نظامی در پیش گرفتند که موجب شد روسیه وارد جنگ‌های متعددی در نقاط مختلف جهان شود. در حالی که بار اصلی این جنگ‌ها بر دوش مردم روسیه بود، ثروت حاصل از برنامه‌های استعماری تنها باعث عمیق‌تر شدن اختلاف طبقاتی در این کشور می‌شد. این شرایط موجب شکل‌گیری گروه‌های مخالف علیه تزارها شد تا جایی که حکومت روسیه مجبور شد در سال ۱۹۰۵ تن به اصلاحات بدهد.



لنین، رهبر انقلاب نوامبر ۱۹۱۷ روسیه

اما برخی از گروه‌های مخالف که مارکسیست بودند این اصلاحات را کافی نمی‌دانستند و از حذف سرمایه‌داری خصوصی و در نتیجه مدیریت کارخانه‌ها و زمین‌های کشاورزی توسط کارگران و کشاورزان دفاع می‌کردند. در بین مارکسیست‌های معترض، عده‌ای که به «بلشویک‌ها» معروف بودند، می‌گفتند که انجام اصلاحات مورد نظرشان با استفاده از شیوه‌های مسالمت‌جویانه و ملایم امکان‌پذیر نیست و انقلابی بنیادافکن (که طی آن طبقه اشراف از قدرت برکنار می‌شدند) چاره کار است. جنگ جهانی اول این فرصت را در اختیار رهبران بلشویک (که در آن زمان در خارج از روسیه در تبعید بودند) قرار داد تا با استفاده از شرایط، به اهداف انقلابی خود برسند.

در سال ۱۹۱۷ تزار روسیه پانزده میلیون نفر که بیشتر کارگران و کشاورزان بودند را برای مقابله با متحدین به جبهه جنگ فراخواند و این امر باعث بروز مشکل در تولید کالاهای مورد نیاز و در نتیجه بالا رفتن خشم عمومی و شورش علیه حکومت شد. درگیری داخلی در روسیه باعث ضعف این کشور در جبهه جنگ با متحدین می‌شد به همین دلیل دولت آلمان به تقویت معترضان پرداخت و به رهبران تبعیدی بلشویک کمک کرد تا به روسیه بازگردند و به این شورش‌ها دامن بزنند.

بلشویک‌ها به رهبری «لنین» توانستند با شعار «صلح، زمین، نان»، «تسلط کارگران بر تولید» و «همه قدرت از آن‌ها» شورشیان را با خود همراه کرده تا جایی که تزار را دستگیر و در نهایت کشتند. بلشویک‌ها بر روسیه حاکم شدند و شیوه اداره حکومت را کمونیستی اعلام کردند. دولت جدید تلاش کرد تا اراضی کشاورزی را از دست مالکان و اربابان خارج ساخته و اداره آنها را به شورای کشاورزان بسپارد. همچنین مالکیت کارخانه‌ها، معادن و ماشین‌آلات صنعتی را از سرمایه‌داران به شورای کارگران هر کارخانه منتقل کند.

وقوع انقلاب در جبهه جنگ جهانی اول هم تأثیر گذاشت. لنین که به مردم وعده صلح داده بود، متصرفات وسیعی را به متحدین واگذار کرد و در مقابل با آنها قرارداد صلح بست و سربازان روسی را از جبهه‌های جنگ خارج کرد. با این وجود، صلح واقعی نصیب مردم روسیه نشد و دیری نپایید که آنها درگیر جنگ داخلی شدند. دولت کمونیستی روسیه بعد از سرکوب مخالفان داخلی و برقراری اتحاد، تأسیس کشور «اتحاد جماهیر شوروی» را اعلام کرد. کشور جدید از اتحاد روسیه و مناطق متعلق به امپراتوری روسیه به وجود آمد.

## پایان جنگ

آمریکا تا سال ۱۹۱۷ مستقیماً وارد جنگ نشد. با اعلان جنگ توسط کنگره آمریکا، تمام نیرو، امکانات و سرمایه آمریکایی‌ها برای غلبه بر آلمان و نیروهای متحدین به کار گرفته شد. پس از چهار سال و اندی (نوامبر ۱۹۱۸م/ پاییز ۱۲۹۷ش) میلیون‌ها نفر کشته، زخمی، مقفود و آواره شدند و بازماندگان در معرض فقر، بیکاری، بیماری، افسردگی و ناامیدی مفرط قرار گرفتند. غنائم جنگ میان فاتحان تقسیم شد و تمدن غرب مدرن، به آشکارترین شکل، باطن خود را نمایش داد. جنگ جهانی اول از همان آغاز، پایان بود، پایانی برای غرب و بلندپروازی‌های انسان مدرن.

۱- بلشویک در لغت به معنای اکثریت است.



## آثار و پیامدهای جنگ



سران کشورهای پیروز در کنفرانس صلح ورسای، از راست به چپ: ویلسون رئیس‌جمهور آمریکا، کلمانسو نخست‌وزیر فرانسه، اورلاندو نخست‌وزیر ایتالیا و لوید جورج نخست‌وزیر انگلستان

پیمان صلح ورسای؛ پس از خاتمه جنگ، نمایندگانی از کشورهای مختلف، از جمله دولت‌های پیروز و شکست‌خورده در جنگ، با هدف عقد قرارداد صلح در کاخ ورسای پاریس گرد هم آمدند. پس از ماه‌ها مذاکره، پیمان نهایی صلح، که شامل چندین قرارداد جداگانه بود، با کشورهای مغلوب به امضا رسید. در این میان، پیمانی که با آلمان بسته شده اهمیت بیشتری داشت. بر اساس این پیمان، مستعمرات آلمان میان متفقین تقسیم شد و بخش‌هایی از خاک این کشور به فرانسه و لهستان واگذار گردید. به علاوه، آلمانی‌ها ملزم به پرداخت غرامت به دولت‌های متفق و محدود نگاه‌داشتن توان نظامی خود شدند.

## فروپاشی عثمانی و تغییر نقشه سیاسی در غرب آسیا (خاورمیانه)

با شروع جنگ جهانی اول، دولت عثمانی به متحدین پیوست و هر چند در ابتدا توانست موفقیت‌هایی به دست آورد ولی در نهایت توسط نیروهای متفقین اشغال شد. این در حالی بود که به دنبال انقلاب در روسیه، این کشور از جبهه جنگ خارج شده بود و فرصت مناسبی برای انگلستان و فرانسه برای تقسیم سرزمین عثمانی میان یکدیگر فراهم شد. این دو کشور قبل از پایان جنگ قراردادی بین خود به امضا رساندند که به موجب آن با پایان جنگ، امپراتوری عثمانی فروپاشید و کشورهای کنونی ترکیه، عراق، سوریه، اردن، فلسطین، لبنان و عربستان شکل گرفتند. انگلستان سرپرستی عراق، اردن و فلسطین را بر عهده گرفت و لبنان و سوریه تحت سرپرستی فرانسه درآمدند. در مذاکرات ورسای، انگلستان و فرانسه این قرارداد پنهانی را علنی نمودند و در توافقات نهایی گنجانده شدند.

بنابراین، با جنگ جهانی اول تغییرات شگرفی در دنیا ایجاد شد. دولت‌های بزرگی چون روسیه تزاری و امپراتوری هابسبورگ و عثمانی فروپاشید و به جای آنان اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری اتریش و جمهوری‌های متعدد اروپای شرقی و ترکیه و دولت‌های نوین عربی در غرب آسیا (خاورمیانه) پدید آمدند و هندسه سیاسی بخش‌های بزرگی از دنیا تغییر کرده و صورت تازه‌ای گرفت.

## فعالیت ۴

### بررسی و مقایسه نقشه‌های تاریخی

با مقایسه نقشه سیاسی اروپا و غرب آسیا (خاورمیانه) پیش از قرارداد ورسای و پس از آن، چند مورد از تغییرات مرزهای سیاسی را فهرست کنید.

**تشکیل جامعه ملل؛** «جامعه ملل» شکل اولیه «سازمان ملل» است. پس از جنگ جهانی اول، با طراحی فاتحان جنگ، تشکلی با عضویت چهل کشور در ژنو سوئیس تأسیس شد تا سلطه قدرت‌های مستکبر بر دنیا که آن را «صلح و امنیت جهانی» می‌نامیدند، در معرض تهدید قرار نگیرد و رقبای بالقوه و بالفعل آنها توان و مجال قدرت یافتن نداشته باشند. با این حال؛ تشکیل جامعه ملل نتوانست جلوی درگیری و زیاده‌خواهی قدرت‌های مستکبر را بگیرد و مانع جنگ جهانی دوم شود.

**تلفات و خسارت‌های انسانی و اقتصادی؛** جنگ جهانی اول تلفات و مصائب جانی، جسمی و روحی فراوانی به بار آورد و باعث ویرانی منابع و مراکز اقتصادی، تولیدی و مالی اروپا و دیگر مناطق جهان شد. بر اساس آمار رسمی، بیش از ۹ میلیون نظامی در این جنگ کشته و ده‌ها میلیون نظامی مجروح، اسیر و مفقود شدند. به علاوه، میلیون‌ها غیرنظامی در سرتاسر جهان، بر اثر عملیات جنگی یا اتفاقات ناشی از جنگ مانند کمبود مواد غذایی و شیوع بیماری‌های همه‌گیر کشته، مجروح، بیمار و یا آواره شدند.

## فعالیت ۵

### تحلیل و قضاوت تاریخی

متن زیر را بخوانید و برداشت خود را از آن در کلاس بیان کنید.

«جنگ بر فیلسوفان و هنرمندان عمیقاً تأثیر گذاشت. از آغاز [عصر] روشن‌اندیشی، به نظر می‌رسید پیشرفت فنی و عدالت سیاسی، دگرگونی مثبتی به بار می‌آورد. فرهنگ اروپا و ایالات متحده... از فرهنگ‌های دیگر برتر می‌نمود. با این حال، مردم این فرهنگ‌ها در خشن‌ترین و مرگبارترین جنگ تاریخ شرکت کرده بودند. قدرت فنی [تکنولوژی]، کشتن مردم را کارآمدتر ساخته بود. قدرت ویرانگر هواپیماها، تانک‌ها و زیردریایی‌ها که در جنگ توسعه یافت و به کار رفت، ارزش پیشرفت فنی جهان را از دیدگاه عده‌ای از مردم با تردید روبه‌رو ساخت (دان، تاریخ تمدن و فرهنگ جهان، ج ۴، ص ۹۸).

## ایران در جنگ جهانی اول

هم‌زمان با آغاز جنگ بین‌الملل اول، ایران وضعی آشفته داشت و حکومت مشروطه به دلیل اختلاف‌های سیاسی داخلی، ضعف تشکیلات اداری و نظامی، مشکلات اقتصادی و دخالت‌های فزاینده خارجی، قادر به سروسامان دادن به امور و برقراری نظم و امنیت نبود.

### اشغال نظامی ایران

دولت ایران پس از شروع جنگ جهانی اول، اعلام بی‌طرفی کرد اما کشورهای درگیر در جنگ، به خصوص انگلستان و روسیه، به بهانه‌های مختلفی آن را نقض کردند. در اوایل جنگ، مأموران و جاسوسان آلمانی<sup>۱</sup> در مناطق مختلف ایران به اقداماتی بر ضد دولت‌های اتفاق مثلث دست زدند. انگلستان و روسیه نیز همین موضوع را بهانه لشکرکشی به ایران قرار دادند.

## فعالیت ۶

### فکر کنیم و پاسخ دهیم

به نظر شما، علت گرایش افکار عمومی ایرانیان به آلمان و دولت‌های متحد آن در جنگ جهانی اول چه بود؟

۱- واسموس (Wassmuss) و نیدر مایر (Niedermayer) از معروف‌ترین این افراد می‌باشند.

بزرگ، ارتش عثمانی نیز مناطقی از غرب کشور ما را اشغال کرد و با نیروهای اتفاق مثلث درگیر شد. با نزدیک شدن ارتش روسیه به تهران، شماری از ملیون، شامل برخی از نمایندگان مجلس شورای ملی، وزیران و شخصیت‌های مذهبی، به کرمانشاه مهاجرت نمودند و دولت موقت ملی را در آن شهر تأسیس کردند اما به دنبال شکست سپاه عثمانی از نیروهای اتفاق مثلث، دولت موقت فروپاشید و اعضای آن پراکنده شدند.

انگلستان گروهی از افسران انگلیسی و مزدوران هندی را به ایران فرستاد و در بخش‌های جنوبی میهن ما، نیروی پلیس جنوب را تشکیل داد. نظامیان روسی نیز، بخش وسیعی از نیمه شمالی کشورمان را، که بر اساس معاهده ۱۹۰۷ منطقه تحت نفوذ روسیه شناخته می‌شد، اشغال کردند. این دو دولت اشغالگر سپس در قرارداد ۱۹۱۵ ایران را به دو قسمت تقسیم کردند؛ نیمه شمالی متعلق به روسیه و نیمه جنوبی سهم انگلستان شد. با شروع جنگ



تعدادی از اعضای دولت موقت ملی در کرمانشاه



ناصر دیوان کازرونی (۱۲۵۳-۱۳۲۱ ش)

### مقاومت ایرانیان در برابر اشغالگران

اگر چه حکومت قاجار اراده محکم و توان کافی برای رویارویی با نیروهای اشغالگر نداشت، اما مردم و به خصوص عشایر در قسمت‌های مختلف ایران مانند فارس، بوشهر و خوزستان، تحت تأثیر فتوای مراجع تقلید در برابر متجاوزان ایستادند و از استقلال وطن خویش تا سرحد جان دفاع کردند. دلاورمردان تنگستانی، دشتستانی و دشتی به فرماندهی رئیسعلی دلواری و مردم کازرون به رهبری ناصر دیوان کازرونی با شجاعت و شهامت با نیروهای انگلیسی نبرد کردند و ضربه‌های سنگینی به آنان وارد آوردند. عشایر عرب خوزستان نیز در «نبرد جهاد» غیورانه با قوای بیگانه جنگیدند.

## آثار و نتایج جنگ

این قحطی فراگیر، سیاست‌ها و اقدامات انگلستان در ایران بود. گزارش‌های مقامات انگلیسی مستقر در ایران اشاره می‌کند که خرید، جمع‌آوری و دپوی گسترده غله ایران برای تأمین نیروهای متفقین در جریان جنگ، از عوامل اصلی کمبود آن در ایران است. اگر ارزاق ایران، بین‌النهرین و هند به خطوط جنگ نمی‌رسید، چه بسا معادله پیروزی و شکست در جنگ جهانی اول دگرگون می‌شد.

جنگ جهانی اول و اشغال ایران، علاوه بر ویرانی اقتصادی و تلفات گسترده انسانی، موجب تزلزل و بی‌ثباتی دولت مرکزی، تعطیلی مجلس شورای ملی و تضعیف بیشتر نظام مشروطه نیز شد.

جنگ جهانی اول برای کشور ایران، که دولت و مردمش هیچ نقش و دخالتی در شروع و ادامه آن نداشتند، فاجعه‌آمیز و ویران‌کننده بود. این جنگ موجب قحطی بزرگی شد که در نتیجه آن عده بسیار زیادی از هم‌وطنان ما به سبب گرسنگی، سوء‌تغذیه و بیماری‌های ناشی از آن به طرز دلخراشی جان دادند. به دلیل ضعف آمار و آمارگیری، نمی‌توان میزان تلفات انسانی کشور ما در جنگ جهانی اول را به شکل دقیق برآورد کرد، اما گزارش برخی از نویسندگان حکایت از آن دارد که جمعیت ایران پس از خاتمه جنگ نسبت به ابتدای آن به شکل فجیع و دردناکی کاهش یافته بود. یکی از اصلی‌ترین مقدمات بروز

## فعالیت ۷

### بررسی شواهد و مدارک

یحیی دولت‌آبادی، یکی از رجال سیاسی عصر مشروطه، درباره وضعیت روستاهای میان تبریز و زنجان در دوران پس از جنگ بین‌الملل اول می‌گوید: «دهات بی‌سکنه عرض راه، لاشه بسیار حیوانات بارکش که به واسطه قحطی سال پیش و ناامنی و غیره در هر چند قدم در اطراف و بلکه در میان راه دیده می‌شود، قبرستان‌های تازه احداث شده در نزدیک دهات و قصبات به ضمیمه احوال پریشان [و] رقت‌انگیز زن و مرد و بزرگ و کوچک مردم ستم‌دیده، اگر گاهی در دهات دیده شوند که تازه می‌خواهند سروسامانی بگیرند، حقیقتاً تأثر آور است.

آری در راه تبریز و زنجان، دهاتی دیده می‌شود که نعش اموات در اتاق‌های ویرانه آنها مانده است و خوراک جانوران شده و اگر نظر عمومی به نقاط مختلف مملکت انداخته شود، دیده می‌شود که همه جای مملکت بی‌طرف ما در سایه جنگ اروپا و بی‌لیاقتی حکومت خود به صورت راه تبریز درآمده است» (حیات یحیی، ج ۴، ص ۸۹).

۱- چه ارتباطی میان محتوای این متن با مطالبی که در همین صفحه کتاب درسی تحت عنوان «آثار و نتایج جنگ» بیان شده است، وجود دارد؟

۲- فیلم یتیم‌خانه ایران را که به برخی از حوادث اشغال ایران در جنگ جهانی اول و پیامدهای آن پرداخته است، ببینید و درباره آن گفت‌وگو کنید.

## بیشتر بدانیم

### ایران و کنفرانس صلح ورسای

پس از پایان جنگ جهانی اول، هیئتی سیاسی به ریاست علیقلی‌خان مشاورالممالک انصاری، وزیر خارجه به پاریس رفت تا در کنفرانس صلح ورسای شرکت کند و دعاوی خود را درباره لغو تمامی قراردادهای ناقض استقلال و تمامیت ارضی ایران و گرفتن خسارت‌های ناشی از جنگ، مطرح نماید؛ اما دولت‌های متفق به هیئت نمایندگی ایران اجازه شرکت در کنفرانس مذکور را ندادند.



## قرارداد ۱۹۱۹



حسن وثوق الدوله (۱۲۵۴-۱۳۲۹ ش)

به دنبال پیروزی انقلاب روسیه (نوامبر ۱۹۱۷ / پاییز ۱۲۹۶)، دولت بلشویکی این کشور نیروهایش را از ایران فراخواند. انگلستان با تقویت واحدهای نظامی خود، علاوه بر نواحی جنوبی، مناطقی از نیمه شمالی ایران را نیز اشغال کرد. در آن زمان، حکومت ایران در نهایت ضعف و انحطاط سیاسی و اقتصادی بود و دولت مرکزی توان اعمال حاکمیت در بسیاری از مناطق کشور را نداشت. برخی از سران ایلات و حاکمان محلی نافرمانی می‌کردند و شورش‌هایی در گوشه و کنار مملکت در حال شکل‌گیری بود. از نظر اقتصادی نیز دولت در تنگنای شدیدی قرار داشت و برای تأمین بخش عمده‌ای از مخارج روزمره خود، به دریافت پول از انگلستان نیاز داشت. در چنین شرایطی و در حالی که روس‌ها سرگرم جنگ داخلی بودند، انگلیسی‌ها فرصت را برای تحکیم نفوذ و سلطه پایدار خود و تأمین منافع درازمدتشان در ایران مغتنم شمردند و قرارداد ۱۹۱۹ را با دولت وثوق الدوله (۱۲۹۷-۱۲۹۹ ش) منعقد کردند.

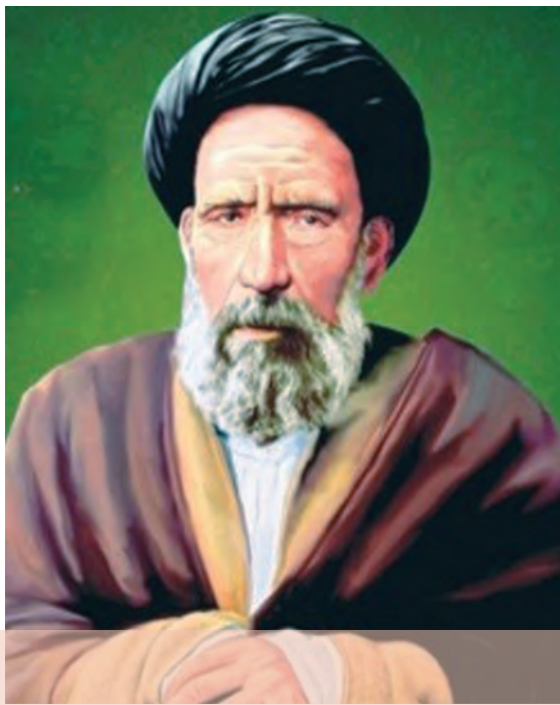
### بیشتر بدانیم

#### رشوهای انگلیسی

دولت انگلیس برای انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ رشوه نسبتاً کلانی به وثوق الدوله و دو تن از وزرای کابینه او (نصرت الدوله فیروز و صارم الدوله)، که نقش فعالی در امضای آن قرارداد داشتند، پرداخت کرد (اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا، ج ۲، ص ۲۹۰). انگلستان همچنین به عاقدان قرارداد، ضمانت کتبی حمایت داد. احمدشاه قاجار نیز که علاقه فراوانی به گردآوری مال و تفریح در اروپا داشت، به گونه‌ای تطمیع شد تا با قرارداد مخالفتی نکند (همان، ج ۲، صص ۱۹۸-۱۹۹، ۲۴۷-۲۴۸).

به موجب قرارداد ۱۹۱۹، اداره امور دارایی و برخی دیگر از ادارات و وزارتخانه‌های ایران در اختیار انگلستان قرار می‌گرفت؛ همچنین مسئولیت تجدید سازمان و ایجاد ارتش یکپارچه ایران و تأمین اسلحه و تدارکات آن نیز به افسران انگلیسی داده می‌شد. در عوض، انگلستان متعهد می‌شد که وامی در اختیار دولت ایران قرار دهد تا تحت نظارت کارشناسان انگلیسی هزینه شود. برخی مفاد این قرارداد پیش از آنکه به تصویب مجلس شورای ملی<sup>۱</sup> برسد، به اجرا گذاشته شد.

۱- سومین دوره مجلس شورای ملی در اوایل جنگ جهانی اول تعطیل شد. از آن پس تا گشایش چهارمین دوره مجلس شورای ملی در خرداد ۱۳۰۰، کشور بدون مجلس اداره می‌شد.



شهید آیت‌الله سید حسن مدرس (۱۲۴۹-۱۳۱۶ش)

قرارداد ۱۹۱۹ با مخالفت گسترده و شدید شخصیت‌های ملی، سیاسی و مذهبی، گروه‌ها و احزاب گوناگون در سرتاسر کشور روبه‌رو شد. مخالفان با برگزاری نشست‌ها، ایراد سخنرانی و نشر اعلامیه و شب‌نامه مخالفت خود را با این قرارداد نشان دادند. آیت‌الله سید حسن مدرس یکی از جدی‌ترین این مخالفان بود. دولت وثوق‌الدوله علاوه بر دفاع از قرارداد در مجامع سیاسی و نشریات، مخالفان را سرکوب و تعدادی از آنان را زندانی و تبعید کرد. با این حال، اعتراض به قرارداد ۱۹۱۹ و مخالفت با آن ادامه یافت و یکی از علل مهم سقوط دولت وثوق‌الدوله بود.

## فعالیت ۸

### بررسی شواهد و قضاوت

با بررسی متن کامل قرارداد ۱۹۱۹، که دبیر در اختیار شما قرار می‌دهد، درباره دیدگاه مخالفان و موافقان قرارداد قضاوت کنید. مخالفان: قرارداد استقلال کشور را از بین می‌برد و ایران را تحت‌الحمایه انگلستان قرار می‌دهد. موافقان (عاقدان): تنها راه نجات کشور، همکاری نزدیک با انگلستان است و قرارداد موجب حفظ تمامیت ارضی ایران می‌شود.

### پرسش‌های نمونه

- ۱- انقلاب صنعتی چه تأثیری در گسترش سیاست‌های استعماری داشت؟
- ۲- جنبش‌های ملی‌گرای اروپای مرکزی چه تأثیری در بروز جنگ جهانی اول داشت؟
- ۳- اتحاد و اتفاق سه‌گانه چرا شکل گرفت؟
- ۴- تحلیل و قضاوت شما درباره مهم‌ترین علت بروز جنگ جهانی اول چیست؟
- ۵- با استفاده از قوه تخیل خود، آنچه را در دور ان جنگ جهانی اول بر پیشینیان ما گذشته است در چند سطر بیان کنید.